



سر نوشت مذاکرات هسته ای در هاله ای از ابهام

گسترش دامنه جنگ در اکرانین و تاثیر تحریم های همه جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا بر علیه روسیه، تشدید بحران اقتصادی بویژه بحران انرژی در کشورهای معظم سرمایه داری را در پی داشته است. در این میان بحران سوخت و افزایش بی سابقه قیمت مایحتاج عمومی در استانهای زمستان امسال کشورهای اروپایی را با معضلات بیشماری مواجه کرده است و اروپایی ها را مجبور کرده است برای جبران کم بود نفت و گاز ناشی از تحریم روسیه و یافتن منابع جایگزین مذاکرات مربوط به احیای برجام را هرچه زودتر به نتیجه برسانند. هر چند که هنوز جزئیات بسته پیشنهادی اتحادیه اروپا افشا نشده است ولی از قرار معلوم در این بسته پیشنهادی بندهائی گنجانده شده تا ایران را به امضای توافقنامه راضی کنند.

به گزارش رسانه های ایران، محمد مرندی، مشاور تیم مذاکره کننده ایران، گفته است: «این متن خیلی متفاوت از وضعیتی است که هفت هشت ماه پیش در آن قرار داشتیم و ایران توانسته در مورد مسائل متعدد امتیازهای عمده بگیرد. با این حال هنوز دو سه مساله هست که حل نشده. ایران نظر خود را درباره این موضوعها مطرح کرده تا آمریکا و اروپایی ها از آنها رفع ابهام کنند.»

ادامه در صفحه ۲

- ⇐ بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت سی چهارمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی
- ⇐ جمهوری اسلامی غرق در باتلاق فساد
- ⇐ فلسطین زخمی، در محاصره گرگ ها
- ⇐ " خیریه " بازوی سرکوب سرمایه داری
- ⇐ اطلاعیه های شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
- * محکومیت سیاست سرکوب و پاکسازی مذهبی علیه شهروندان بهایی
- * بر علیه سرکوب، حربه زنگ زده جمهوری اسلامی
- * در گرامیداشت یادمان جان فشانان کشتار ۶۷ در تلاقی دو تابستان
- ⇐ چرا دین افیون توده هاست!؟



در سی و چهارمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی بیاد آوریم رفقائی را، که در حالیکه قلب شان سرشار از عشق و علاقه به زندگی بود، دار و درفش عمال طبقه حاکم و نظام ارتجاعی اسلامی را به هیچ گرفتند و با هزاران عشق و آرزو سرافرازانه سر به پای آزادی نهادند.

خبر داده است درحالی‌که شورای امنیت ملی آمریکا در توییتی برخی ادعاهای مطرح شده توسط مقامات و منابع مختلف درخصوص مفاد پاسخ ایران به متن نهایی اتحادیه اروپا بر سر احیای برجام را تکذیب کرده است.

از آنجائیکه هنوز مفاد پیشنهادی اروپا، و عکس‌العمل ایران و آمریکا رسماً اعلام نشده است نمیتوان درباره آن اظهار نظر قطعی کرد اما این واقعیت که طولانی شدن جنگ در اکراین هزینه‌های مخاطره‌آمیزی را برای اتحادیه اروپا برداشته است غیرقابل انکار است. علاوه بر هزینه‌های دامنگستر تحریم، مخارج اسکان میلیون‌ها آواره، افزایش بودجه دفاعی، کمبود انرژی به رشد تورم کمبود و گرانی دامن زده است و مستقیماً به پائین آمدن بیشتر سطح دستمزد ها و سیستم‌های رفاهی که قبل از این با اعمال سیاست‌های نئولیبرالی بسیار تضعیف شده بود انجامیده است که همه این مخارج باید از جیب کارگران و زحمتکشان این کشورها پرداخت شود که اعتصابات کارگری و اعتراضات عمومی در کشورهای اصلی اتحادیه اروپا را در پی خواهد داشت و علاوه بر آن هزینه جبران دو سال رکود ناشی از شیوع پاندمی کرونا در کنار بحران سوخت در استان‌های زمستان امسال اتحادیه اروپا را به تلاش برای یافتن منابع جدید انرژی - که ایران تحت تحریم یکی از بزرگترین منابع نفت و گاز را دارا است - به تلاش برای یافتن راه حل توافق با ایران وا داشته است.

از طرفی اصلی‌ترین طرف ایران در مذاکرات هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل است. آمریکا با تورم و

سرنوشت مذاکرات هسته‌ای در

هاله‌ای از ابهام

یدی شیشوانی

پیش‌نویس اتحادیه اروپا شهروندان غیرآمریکایی اجازه خواهند داشت با شرکت‌هایی که با سپاه پاسداران معاملات اقتصادی دارند، تجارت کنند.

بر اساس گزیده‌هایی از متن پیش‌نویس پیشنهادی اتحادیه اروپا که پولتیکو ادعا می‌کند به آن دست یافته است، تحریم‌های آمریکا علیه سپاه پاسداران ایران با هدف احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ کم‌رنگ می‌شود و راه را برای تهران هموار می‌کند تا از بررسی بیشتر سایت‌های هسته‌ای که مشکوک خوانده می‌شود، خودداری کند".

جمهوری اسلامی صبح روز دوشنبه 29 مرداد باعجله جواب خود را به اتحادیه اروپا تحویل داده است اما آمریکا هنوز مشغول ریزنی باشرکای خود درباره چندو چون این پیشنهاد است. آنچه مسلم است اتحادیه اروپا در تدوین بسته پیشنهادی خود قبلاً با آمریکا مذاکره کرده و نظر مثبت آنها را جلب نموده است و آنچه که تا کنون باعث شده تا از اعلام علنی نتایج بررسی پاسخ ایران خودداری بکنند با احتمال قوی شروط جدیدی است که از طرف ایران پیشنهاد شده است. جوزب بول در آخرین اظهار نظر خود درباره پاسخ ایرا به پیشنهاد اتحادیه اروپا از جواب معقول ایران

ادامه از صفحه اول
از سوی دیگر بنا به ادعای الجزیره "اتحادیه اروپا برای احیای برجام چهار مرحله و دو دوره زمانی را در نظر گرفته است که هر کدام ۶۰ روزه است. این منابع مدعی شدند که در روز اول امضای توافق ۱۷ بانک و ۱۵۰ نهاد اقتصادی رفع تحریم می‌شوند و از همان روز اول اجرای توافق، تهران به طور تدریجی شروع به کاهش گام‌های هسته‌ای خود می‌کند.

آن‌ها همچنین تأکید کردند که همزمان با اجرای توافق ۷ میلیارد دلار از اموال بلوکه شده ایران در کره جنوبی آزادسازی خواهد شد.

این منابع می‌گویند که از جمله ساز و کار این توافق این است که ایران طی ۱۲۰ روز بعد از امضای توافق ۵۰ میلیون بشکه نفت صادر خواهد کرد و صادرات نفت ایران پس از این دوره روزانه ۲/۵ میلیون بشکه خواهد بود.

در این متن پیشنهادی آمده است که اگر واشنگتن بار دیگر از توافق خارج شد باید غرامت مالی پرداخت کند.

نشریه پلتیکو ادعا کرده است که طبق

برای سازماندهی توده های رنج و کار به حیات ننگین حاکمیت اسلامی پایان دهد، توانسته است بحران ها را مهار کرده و به حیات خود ادامه دهد، بعید است که درچنین شرایطی حاضرشود دوباره به مقطع امضای برجام عقب نشینی کند و از پیشرفتهائی که برای دست یابی به بمب هسته بدان دست یافته است براحتی از دست بدهد. همانطور بعد از پایان دوران ریاست جمهوری اباما و روی کار آمدن ترامپ شاهد خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم های شدیدی تری علیه ایران بودیم و امکان اینکه بار دیگر چنین تجربه ای تکرار شود مانع از آن خواهد بود تا جمهوری اسلامی برغم مشکلات اقتصادی و بحرانهای داخلی براحتی پای توافقی برود که موقعیت کنونی آن را تضعیف نکند. بنابراین این احتمال که این آخرین تلاشها برای رسیدن به توافق با بن بست دیگری مواجه شود بیشتر است تا موفقیت آن. با این وجود تا علنی شدن رسمی بسته پیشنهادی اتحادیه اروپا و پاسخ ایران به آن و نظر نهائی ایالات متحده آمریکا سرنوشت مذاکرات هسته ای در هاله ای از ابهام باقی خواهد ماند.

کنندگان ارشد جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه ارانووم ۶۰ در صدی را حفظ خواهند کرد و سنتر فیوژها نیز در ایران می مانند و تحریمها گام به گام لغو خواهند شد و غیره که در اظهارات اخیرش بطور مفصل بیان نموده است و حاکی از کسب برخی امتیازات از طرف مقابل است اما نباید فراموش کرد که علاوه بر مسائل تقریباً غیر قابل حل منطقه ای و نظامی و موشکی که بعید است در این زمینه جمهوری اسلامی و آمریکا حاضر به کوتاه آمدن از مواضع خود بشوند، اما مسئله مهمتر عبارت از این است که جمهوری اسلامی با رسیدن به غنی سازی شصت درصدی در استانه دست یابی به بمب هسته ای قرار گرفته است و با توجه به طولانی شدن جنگ در اکرانین تشدید بحران اقتصادی در کشور های معظم سرمایه داری و گرفتاری اروپا و آمریکا در تبعات جنگ اکرانین، مهار چین و سایر اختلافات اقتصادی و ژئوپلیتیک از یکسو و نظر با اینکه رژیم جمهوری اسلامی تاکنون با گذاشتن بار تحریمها بردوش توده های زحمتکش مردم و سرکوب بی رحمانه اعتراضات و اعتصابات متعدد کارگران و زحمتکشان و فقدان نیروی انقلابی و رزمنده ای که بتواند از موقعیت کنونی

بیکاری و بحرانهای داخلی بسیاری مواجه است محبوبیت بایدن بشدت پائین آمده است. در انتخابات میان دوره ای اخیر در برخی از ایالت ها کاندیداهای طرفدار ترامپ بر دیگران پیشی گرفته اند. آمریکا برای پیشبرد استراتژی خود برای ادامه ایفای نقش هژمونیک در جهان با چالش های بزرگی با قدرت های نو ظهور از جمله چین و روسیه و هند و غیره مواجه است. بعد از حمله روسیه به اکرانین به زیر فرمان کامل در آوردن اتحادیه اروپا و گسترش ناتو و نیز سازماندهی ناتو های جدید در دیگر نقاط جهان با موانع و چالشها متعددی مواجه است در چنین شرایطی دولت بایدن برای اینکه هم از چرخش کامل ایران به سمت شرق جلوگیری نکند و هم با ادعای حل مسئله برجام موقعیت بهتری را در انتخابات بعدی بدست آورد و از طرفی به بخشی از بحران سوخت و انرژی و تبعات اقتصادی و سیاسی آن مهار بزند ممکن است به امتیازاتی گردن بگذارد که قبل از این ممکن نبود. این در حالی است که علاوه بر اسرائیل محافل پر قدرتی در آمریکا مخالف دادن هرگونه امتیازی به ایران هستند چنانکه یائیر لاپید، نخست وزیر اسرائیل، پنجشنبه ۱۸ اوت/ ۲۷ مرداد در گفت و گو با مقام های اروپایی و آمریکایی گفته است « زمان بلند شدن از پشت میز و ترک مذاکرات هسته ای » با ایران فرا رسیده است.

اینها از جمله دلایل و موانعی هستند که بنا به ادعای ایران آمریکا را در پاسخ نهائی به طرح اتحادیه اروپا و پاسخ ایران به آن، با تاخیر مواجه کرده است. برغم ادعاهای باقوری کنی از مذاکره

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بر آن است که بدون تجهیز توده های کارگر و زحمتکش به سلاح آگاهی و شکل جنبشهای اجتماعی با خطرات زیادی مواجه بوده و خواهند بود. ما در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی و ایجاد زمینه های نظری و عملی اتحاد نیروهای پیشرو جامعه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهیم کرد. بویژه در شرایط کنونی اتحاد صفوف فدائیان کمونیست میتواند گام مهمی در راه وحدت و همکاری نیروهای انقلابی درون جامعه و نیز گامی در جهت اتحاد تمام نیروهای انقلابی و پیشرو جامعه در یک جبهه انقلابی باشد.

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بمناسبت سی چهارمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی یادشان گرامی باد!



جنایتکار جمهوری اسلامی و دست اندرکاران این جنایت هارا در پی داشت، نشاندهنده عزم عمومی درایران و سراسر جهان برای بازخواست آمران و عاملان قتل ها و شکنجه ها و سرکوب کنندگان آزادیهای فردی واجتماعی است.

رژیم جمهوری اسلامی و حامیان و عوامل ریز و درشت آن باید پاسخگوی جنایات مرتکبه در دهه ۶۰ و تمام سالهای حاکمیت ارتجاعی و مستبدانه خود باشند.

امروز وظیفه هر انسان آزادیخواهی است که از خواست ها و مطالبات خانواده ها و بستگان تمام زندانیان سیاسی و همه آنهاست که طی سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی به خاطر مواضع سیاسی و طرز اندیشه و اعتقادات خود و به خاطر مبارزه برای آزادی، عدالت و سوسیالیسم دستگیر و زندانی و شکنجه و اعدام و یا مفقودالاثرا شدند، پشتیبانی کرده و با تشدید مبارزه برای سرنگونی رژیم حاکم و پاسخگو نمودن همه کسانی که در این کشتارها و جنایت ها دست داشتند، مرحمی بر دلهای سوخته بستگان و بازماندگان این عزیزان نهاده و یاد و خاطره آنها را گرامی دارند.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران
زنده باد آزادی و سوسیالیسم
اتحاد فدائیان کمونیست شهریور ۱۴۰۱**

هزاران زندانی سیاسی و عقیدتی است که به فرمان دژخیم زمان بعد از تحمل رنج و شکنجه بسیار به چوبه های دار و تیرباران سپرده شدند و سپس در گورهای دسته جمعی دزدانه دفن گردیدند.

رژیم مدتها کوشید تا این جنایتها را از افکار عمومی مخفی دارد، اما طولی نکشید که این جنایت هولناک توسط اقوام و بستگان زندانیان سیاسی کشف شد. طی این مدت رژیم بر آن بوده تا با دستگیری و زندان و شکنجه بستگان جانباختگان، آنها را به سکوت وادارند و مانع از افشاگری و تلاش آنها برای شکل دهی به یک دادخواهی عمومی علیه آمرین و عاملین این جنایت ها باشند. اما مقاومت و پایداری خانواده ها و دیگر انسانهای آزادیخواه و نیز تلاش سازمانهای سیاسی و جان بدر بردگان از کشتارهای دهه ۶۰ این ترفند ها و سیاست های رژیم و عوامل آن را نقش بر آب کرد. امروز به همت خانواده ها و فعالین سوسیالیست و همه انسانهای آزادیخواه، مسئله قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و کشتار دهه ۶۰ و دادخواهی و محاکمه آمرین و عاملین این کشتارها به یک خواست سراسری، ملی و جهانی در نزد افکار عمومی مترقی تبدیل شده است.

استقبال عظیم افکار عمومی از دستگیری و محاکمه و محکومیت حمید نوری - معروف به "عباسی" یکی از دست اندکاران کشتار ۶۷ در دادگاهی در استکهلم سوئد که ترس و رسوائی بیشتر سران رژیم

سی و چهار سال از روزهای خونین تابستان ۶۷ سپری میشود. روزهایی که ساعات، ثانیه ها و لحظات آن در زندانهای جمهوری اسلامی با مقاومت ها و حماسه های شگفت انگیز انسان هائی همراه بود که به خاطر آزادی، عدالت، سوسیالیسم و حفظ حرمت انسانی ابناء بشر بر چوبه های دار و تیرباران بوسه میزدند. انسانهایی که مثل همه دارای همسر، فرزند، پدر، مادر، خواهر و برادر و در و همسایه و دلباخته و دلداده ای بودند، هزاران آرزو دردل داشتند و میخواستند زنده بمانند و از مواهب زندگی برخوردار گردند، اما آنها زندگی در اسارت و جهل و خرافات و بی عدالتی و سرکوب و فقر و مسکنت را برنمیافتند. عاشق زندگی بودند و برای یک زندگی عاری از ستم و استثمار و زور و سرکوب به خیل اندیشمندان و مبارزین راه آزادی و سعادت پیوسته بودند تا انسان را از بند بربریت و توحش نظامات استثمارگر و سرکوبگر برهانند.

در سی و چهارمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی بیاد آوریم رفقائی را، که در حالیکه قلب شان سرشار از عشق و علاقه به زندگی بود، دار و درفش عمال طبقه حاکم و نظام ارتجاعی اسلامی را به هیچ گرفتند و با هزاران عشق و آرزو سرافرازانه سر به پای آزادی نهادند.

امروز خاوران به وسعت ایران نام آشنائی است. افشاگر جنایات بی شمار جمهوری اسلامی و نمونه ای از گورهای دسته جمعی

جمهوری اسلامی غرق در باتلاق فساد

خ- عمواغلی

۵. افزایش غیرمتعارف بودجه باشگاه سپاهان و ابهام در نحوه هزینه آن.
۶. پرداخت‌های غیرقانونی و تأمین خودروهای لندکروز معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر صمت سابق
۷. خرید یا تأمین ساختمان و خودرو فراتر از نیازمندی‌های متعارف با صرف ده‌ها میلیارد ریال از منابع شرکت‌های تابعه.
۸. به‌کارگیری بیش از ۲۰۰ نفر از بازنشستگان در فولاد مبارکه و شرکت‌های تابعه، از جمله برادر بازنشسته مدیرعامل سابق با ۱۱ میلیارد ریال حق مشاوره و مأموریت.
۹. اعاده به خدمت غیرقانونی رئیس سابق فدراسیون فوتبال که منجر به حفظ وی در آن فدراسیون به‌رغم بازنشستگی و خسارت‌های وسیع از جمله قرارداد با سرمربی سابق تیم ملی فوتبال شد.
۱۰. تصرف غیرقانونی و با انتفاع شخصی و گروهی در منابع مالی شرکت تحت عنوان تخواه مدیرعامل با مبلغی بالغ بر هزار میلیارد ریال و مصرف آن در راستای اهداف شخصی.
۱۱. دخالت در فرایند استخدام و تزییع حقوق افراد واجد شرایط جذب، با

علمیه، بنیاد غدیر و ساخت مسجد پرداخت کرده و البته ۱۴۷ میلیارد تومان از پول فولاد مبارکه برای تأسیس یک شرکت هواپیمایی شخصی هزینه شده است.
در گزارش این هیئت ۹۰ عنوان تخلف، انحراف و تحمیل خسارت و توزیع رانت بالغ بر صدها هزار میلیارد ریال و همچنین ضعف‌های ساختاری و نواقص قانونی مورد رسیدگی قرار گرفته که برخی از این تخلف‌ها به شرح زیر است:
۱. انتخاب مدیران سیاسی و ناکارآمد در هیئت‌مدیره‌ها و ضایع کردن حقوق متخصصان.
۲. ممانعت معاون اول و رئیس دفتر رئیس‌جمهور سابق و استاندار سابق اصفهان از برکناری مدیرعامل متخلف.
۳. فعالیت‌های ارزی شرکت توسط افرادی خاص مرتبط با مدیرعامل و معاون مالی سابق بدون نظارت و مجوز.
۴. اخلال در بازار سرمایه از طریق خرید و فروش سهام برخی از شرکت‌های تابعه و ایجاد سودهای میلیاردی برای برخی مدیران ارشد فولاد مبارکه نظیر معاون سابق مالی، مدیر سابق حراست و مدیر سابق حوزه مدیرعامل.

انتشار خبر 300 صفحه ای فساد 92 هزار میلیاردی -حدود 3.5میلیارد دلار به ارز نیمائی- در فولاد مبارکه اصفهان، بار دیگر عمق فساد، رانت خواری و دزدی اموال عمومی توسط مافیائی حاکم را به نمایش گذاشت.
"گزارش ۳۰۰ صفحه‌ای که مدعی است با جمع‌آوری بیش از ۳۰۰ هزار سند و تشکیل هزار و ۲۰۰ پرونده از ۹۰ عنوان تخلف صنایع فولاد مبارکه پرده برداشته و به مستندات ۹۱ هزار و ۸۷۳ میلیارد تومان تحمیل خسارت و توزیع رانت پرداخته است. بر اساس این گزارش، مشخص شد فولاد مبارکه برای ممانعت از تحقیق و تفحص مجلس حدود نیم‌میلیارد تومان به حساب‌های توییتتری پول داده تا جریان‌سازی کنند و سهم صداوسیما از این ماجرای تبلیغاتی حدود ۲۲ میلیارد تومان گزارش شده است.
بر اساس گزارش خبرآنلاین، به نقل از داده‌های ارائه‌شده از سوی مجلس، فولاد مبارکه یک‌میلیارد و ۴۴۰ میلیون تومان در وجه دفاتر ائمه جمعه و همچنین ستاد اقامه نماز جمعه پرداخت کرده است. همچنین ۹۵۰ میلیون تومان در وجه حوزه

به‌کارگیری سایر افراد با امتیاز کمتر.

۱۲. قرارداد با افراد ذی‌نفوذ سیاسی از جمله همسر رئیس دفتر رئیس‌جمهور سابق، وزیر اسبق راه و شهرسازی، شهردار سابق اصفهان.

۱۳. عقد قرارداد مشاوره خارجی غیرضروری به صورت ترک تشریفات جهت تولید ورق مورد استفاده در انتقال گاز ترش با احتمال وقوع جاسوسی صنعتی.

۱۴. فروش ۱۶ هزار تن محصول شرکت ورق خودرو تحت عنوان محصول انباری به بازرگان خارجی با قیمت نازل و با نقش‌آفرینی معاون فروش فولاد مبارکه و مدیرعامل سابق ورق خودرو (از منتسبین معاون اول رئیس‌جمهور سابق).

۱۵. توزیع رانت از طریق فروش صادراتی به فرزند یکی از معاونان رئیس‌جمهور سابق بدون رعایت تشریفات قانونی.

۱۶. ارائه هدیه به نهادها و سازمان‌های دارای ممنوعیت، اهدای خودرو، کارت هدیه، بن خرید، سکه، موبایل، لپ‌تاپ و تبلت به سازمان‌هایی نظیر برخی استانداری‌ها، راه و شهرسازی، وزارت صمت، بانک مرکزی، گمرک و برخی نهادهای دیگر که منجر به تصرف غیرقانونی در وجوه شده است.

۱۷. حمایت مالی و پشتیبانی از کاندیدای انتخابات مجلس شورای اسلامی با پرداخت مبلغ ۱۵ میلیارد ریال در قالب فاکتور صوری و با بهره‌برداری از امکانات شرکت از جمله خودرو.

نمونه فساد افشا شده که نوک کوهی از یخ است که نشان می‌دهد سران رژیم و دولت رئیسی معروف به آیت الله قاتل دربتالاقی

از بحران ساختاری و منجلابی از فساد و بحرانهای مختلف فرورفته اند که هیچ راهی برای خروج از آن متصور نیست. صاحبان قدرت و ثروت و حاکمانی که تنها با تکیه بر سرنیزه و سرکوب براریکه قدرت دوام آورده اند بخوبی میدانند برغم سردادن شعارهای عوام‌فریبانه ادامه وضعیت کنونی چندان دوامی نخواهد داشت و خشم و نفرت توده های زحمتکش مردم جان به لب رسیده بار دیگر فوران خواهد کرد.

روشن است که فساد در دستگاه جمهوری اسلامی ساختاری و نهادینه شده است. علاوه بر رانت خواری، فساد و اختلاس‌هایی که هرروزه اتفاق می‌افتد و هیچگاه افشا و بر ملا نمی‌شوند هر ساله ما شاهد از پرده بیرون افتادن اختلاسها و کلاهبرداریهای کلان هستیم و این در حالی است که بیکاری، گرانی و فقر ونداری گریبانگیر توده های زحمتکش مردم است و پرداخت حقوق و دستمزدهای ناچیز ماه ها به تعویق می‌افتند و اعتراضات و اعتصابات با سرکوب و زندان مواجه میشوند.

واقعیت این است که حکومت اسلامی و طبقه دزدان و چپاولگران در فقدان آزادیهای سیاسی و اجتماعی تمام عرصه های جامعه را با بحران اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی مواجه کرده اند و خلاصی از این وضعیت با اتحاد کارگران و زحمتکشان در یک جبهه انقلابی و تشدید پیکار برای سرنگونی انقلابی نظام حاکم و ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران مبتنی بر شوراهای و ارگانه‌های توده ای امکانپذیر خواهد بود.

جامعه ایران آستان حوادث و تحولات عمیقی است به همین دلیل رژیم برای احتراز از وقوع قیامهای توده ای، شمشیر را از رو بسته است و سرکوب جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی را تشدید نموده است. وظیفه همه ما کارگران و عموم زحمتکشان است که در برابر تشدید سرکوبگری رژیم، متحدان در داخل و خارج کشور به مبارزه و مقاومت ادامه دهیم. نیروهای چپ انقلابی و جنبش های اجتماعی سوسیالیستی، آزادیخواه و مترقی میباید در اتحاد باهم و با طرح خواست ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده های رنج‌دیده و استثمار شده، به امر آگاهی و سازمانیابی جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش های اجتماعی مترقی و دموکراتیک یاری رسانند. مقابله با نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر آن، پایان دادن به پراکندگی مبارزات، و گرد آمدن گردانهای کار و زحمت در یک جبهه انقلابی بمنظور گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم و استقرار ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراهای راه امری فوری و ضروری تبدیل کرده است. امروزه خواست ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر و توده های رنج‌دیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادیخواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت گسترده و متحد در اعتراضات، اعتصابات، و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه بر علیه ستم و استثمار و سرکوب و نیز آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی یک وظیفه تعطیل ناپذیر هر انسان آزادیخواه و انقلابی محسوب میگردد.

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت سیاست سرکوب و پاکسازی مذهبی علیه شهروندان بهایی

بر علیه سرکوب، حربه زنگ زده جمهوری اسلامی

جنبایت در جمهوری اسلامی پایانی ندارد. در چند روز گذشته موج جدیدی از بازداشتها و اذیت و آزار شهروندان بهایی و نفرت پراکنی علیه آنان توسط دولت جنایتکار اسلامی آغاز شده است. متعاقب این رفتار غیر انسانی و ضد بشری، اوباشان اسلامی با لشکرکشی به روستای «روشنکو» در مازندران منازل بهائیان را تخریب و مردم را آواره و زمین هایشان را مصادره کرده اند، عملی غیر انسانی و جنایتکارانه مشابه آنچه که در سال ۹۹ با تخریب و مصادره منازل و املاک ۵۴ خانوار از بهائیان در روستای «ایول» از توابع شهرستان ساری انجام دادند.

اولین بار نیست که دولت جمهوری اسلامی علیه شهروندان بهایی دست به جنایت و پاکسازی مذهبی می زند. این دو حمله دمدنشان، مشابه ده ها واقعه از این قبیل از آغاز حکومت جمهوری اسلامی در ایران است. نفرت پراکنی و سرکوب سازمان یافته شهروندان بهایی به بهانه عقاید متفاوت مسیوق به سابقه است. رژیم سرکوبگر اسلامی از فردای به قدرت رسیدن با هدف تحکیم و تثبیت پایه های حاکمیت سپاه اسلامی بر جامعه، همگام با سرکوب و گسترش اختناق و اعدام و پاکسازی دانشگاهها و سرکوب کارگران، زنان، جوانان، ملیتها، به سرکوب اقلیت های مذهبی از جمله شهروندان بهایی نیز دست زد. اعدام، زندان، اخراج و محرومیت از تحصیلات دانشگاهی، فشار و تحقیر دانش آموزان در سطوح پائین مدارس، تبعید و تخریب و مصادره منازل و مغازه های آنان، تصرف و تخریب گورستان بهائیان و بازداشتن بهائیان از خاکسپاری مردگان تنها گوشه کوچکی از کارنامه سپاه جریان اسلامی تازه به قدرت رسیده علیه شهروندان بهایی بوده و در طول حیات جمهوری اسلامی تا کنون ادامه داشته است.

متهم کردن بهائیان به جاسوسی برای کشورهای بیگانه مانند اسرائیل در دوران جمهوری اسلامی و (انگلیس در دوران پهلوی و قاجار) و مجموعه این فشارها و تعزیرات با هدف نابودی سیستماتیک این مردم و مجبور کردن آنان به ترک ایران و یا ماندن و تحمل فقر و آوارگی صورت پذیرفته است.

بهای سنجی در جمهوری اسلامی به دلیل حاکمیت سپاه اسلامی به اوج خود رسید. رفتار غیر انسانی و ضدیت با شهروندان بهائی در دولت پهلوی با همکاری و همدستی آخوندهای مرتجع، ساواک و دستگاههای دولتی بی سابقه نبوده است. انجمن حجتیه که در اسناد ساواک به نام سازمان تبلیغات اسلامی در رژیم پهلوی فعالیت کرده است، انجمنی ضد بهایی و با هدف ویژه مبارزه با بهائیت زیر نظر ساواک و مورد تأیید دولت پهلوی به دست روحانی مرتجع «شیخ محمود حلبی» تاسیس و علیه شهروندان بهایی دست به فعالیت سیستماتیک زده اند. در اقدامی دیگر «حسین علا» نخست وزیر وقت به درخواست «آیت اله بروجردی» دستور محرمانه، تصفیه و اخراج بهائیان را از ادارات دولتی به وزیر کشور ابلاغ کرده است، کاری که در جمهوری اسلامی به پاکسازی و حذف فیزیکی بهائیان نیز منجر شد. دولت پهلوی بند نافش به روحانیت و دستگاه مذهب وصل بود و از آن ارتزاق می کرد. دستگاه مذهب و روحانیت عصای دست رژیم شاه بودند و برای تقویت اسلام و خرافات و میدان دادن به ارتجاع اسلامی بود. شکل گیری جمهوری اسلامی بخشا مدیون رژیم پهلوی و تسهیلاتی بود که در اختیار مساجد و اماکن مذهبی و دستگاه روحانیت قرار داد و به رشد موریانه ای آنها کمک کرد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست رفتار غیر انسانی و نفرت پراکنی فاشیسم اسلامی علیه شهروندان بهایی و سرکوب سیستماتیک آنان را به شدت محکوم می کند و همه مردم آزادیخواه را به اعتراض علیه این جنایات و دفاع از شهروندان بهایی فرا می خواند. از نگاه ما همه انسانها فارغ از عقاید، مذهب، جنسیت، رنگ، نژاد و ملیت باید به عنوان شهروندان با حقوق برابر به رسمیت شناخته شوند و یکسان با آنان رفتار شود. مذهب یا بی مذهبی و عقاید مختلف امر خصوصی افراد است و باید به رسمیت شناخته شوند، چیزی که در جمهوری اسلامی مطلقاً وجود خارجی ندارد.

آزادی و رفاه و زندگی فارغ از سرکوب و اختناق اسلامی نه تنها برای شهروندان بهایی که برای همه مردم ستمدیده در ایران، تنها درگرو سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و برقراری دولت کارگری- شورایی است. تحولی که اکثریت کارگر و زحمتکش و همه مردم منتفر از جمهوری اسلامی دست به کار آن شده اند و مصمم اند که خود را از شر این حکومت جهل، جنایت، سرکوب و استثمار خلاص کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت
اوت ۲۰۲۲

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۲۷/۷/۲۰۲۲/۰۵/۰۵/۱۴۰۱

ShorayeHamkary@gmail.com



فلسطین زخمی، در محاصره گرگ‌ها

دست گیرند. نیروهائی که علاوه بر ستم و استثمار نیروی کار و زحمت، در فساد و رشوه خواری و ثروت اندوزی غرق اند و روشن است که این نیروهای مرتجع که خود در تشدید ستم و استثمار و فساد غرق اند هرگز نمیتوانند آرمانهای آزادیخواهانه و رهائی بخش توده های زحمتکش مردم فلسطین و میلیونها آواره و در بدر را نمایندگی کرده و مبارزات آنها را به سرمنزل مقصود برسانند. توده های زحمتکش مردم فلسطین از یکسو با رژیم نژادپرست و صهیونیستی اسرائیل درگیر هستند و از طرف دیگر همچون زخمی در محاصره گروه های مرتج و صاحبان قدرت و ثروت در میان خودشان اسیرند. بنظر میرسد حل قطعی مسئله فلسطین مثل بسیاری از مسائل و معضلات توده های مردم کشورهای خاورمیانه به تحولات انقلابی عمیق در منطقه و به تبع آن تحول انقلابی در سرزمینهای فلسطین و مردم اسرائیل گره خورده است.

درگیری اخیر که بار دیگر به ویرانی خانه های فلسطینی ها و کشته و زخمی شدن عده زیاد از جمله کودکان انجامید با دستگیری یکی از رهبران جهاداسلامی و تهدید این گروه به واکنش شدید در صورت عدم آزادی رهبرشان آغاز شد و ارتش اسرائیل با توپ باران و بمب باران مناطق مسکونی از یکسو و موشک اندازی جهاداسلامی از سوی دیگر دامنه این درگیری را گسترش داد و بدون تردید قربانیان اصلی این درگیریها مردم محروم و زحمتکش فلسطین است.

از ابتدای اشغال فلسطین توسط ارتش زیر فرمان صهیونیست ها که توسط امپریالیسم آمریکا و متحدان اش پشتیبانی میشد، جنبش مقاومت و آزادیبخش فلسطین عمدتاً زیر رهبری احزاب و سازمانهای مترقی و انقلابی هدایت میشد اما تداوم اعمال جنایتکارانه و اشغالگری اسرائیل از یکسو و دخالت کشورهای مرتجع منطقه و سازمانهای جاسوسی اسرائیل و غرب از سوی دیگر دست در دست هم دادند تا زمینه شکلگیری گروه های مرتجع اسلامی را فراهم بکنند بویژه بعد از تحولات شوروی این نیروها همچون قارچ از زمین روئیدند و توانستند نیروهای مترقی را به حاشیه رانده و بتدریج سکان امور را در

در روزهای گذشته بار دیگر شاهد حملات بی وقفه اسرائیل به نوار غزه بودیم. درگیری میان فلسطینیان و اسرائیل سالها است که وجود دارد. از روزی که دولت صهیونیستی اسرائیل در مناطق اشغالی اعلام موجودیت کرد.

در این مدت از یکطرف اسرائیل تلاش کرده است تا با زور اسلحه و کشتار، اعراب فلسطینی را از زادگاه و محل زندگیشان بیرون براند و سرزمین های خود را گسترش دهد و از سوی دیگر شاهد مقاومت و پایداری فلسطینیان در دفاع از خانه و کاشانه خود هستیم.

این جنگ و درگیری پایانی ندارد و آتش بس ها و توقف درگیریها همیشه موقتی بوده و ناپایدار، چرا که تا وقتی که بحران فلسطین با میلیونها آواره و محاصره و پایمال نمودن حقوق انسانی آنها توسط حاکمان اسرائیل ادامه داشته باشد نمی توان انتظار داشت که جنگ و کشتار و آوارگی و خانه خرابی فلسطینیان نیز پایان یابد.

تجربه نشان داده است که اسرائیل صلح نمیخواهد و بلکه هر بار در تلاش است تا از هر فرصتی استفاده کرده و باقیمانده فلسطینیها را از خانه و زمین هایشان بزور بیرون کرده و در آنجا خانه و شهرک برای اسرائیلی ها بسازد.



در گرامیداشت یادمان جان فشانان کشتار ۶۷ در تلاقی دو تابستان

در آئینه سال شمار قتل عام زندانیان سیاسی تابستان ۶۷، تصویر دیگری از سی و چهارمین سالگرد خونبار این فاجعه هولناک پیش روی ما است. فاجعه ای بزرگ که زخم های خون چکان آن هرگز با گذر زمان التیام نمی گیرد و یادمان آن عزیزان سر به دار هرگز از خاطره ها محو نخواهد شد. قتل عام سراسری زندانیان سیاسی در مرداد و شهریور ۶۷، اگر چه ادامه و برآمد کشتار و اعدام های سال های نخست دهه ۶۰ بود، اما عواقب انسانی این جنایت هولناک آنچنان عمیق و کاری و فاجعه بار بود که با گذشت بیش از چهار دهه، هنوز صدای بند و سلسله و دار از آن روزهای خونین به گوش می رسد. کشتار تابستان ۶۷، همانند یک صاعقه بود. صاعقه ای رعد آسا که با فرمان خمینی جلال بر فراز زندان های ایران فرود آمد. وقوع این فاجعه هولناک، آنچنان سریع و ناباورانه بود که با گذشت ۳۴ سال، هنوز هم اندام خانواده ها و دل سوختگان این فاجعه بزرگ از یادآوری آن روزهای داغ و درفش به لرزه می افتند.

اوین و گوهردشت از جمله زندان هایی بودند که زندانیان آن بیش از هر زندان دیگری در تابستان ۶۷ اعدام شدند. کشتار زندانیان در دادگاه های چند دقیقه ای با چند پرسش کوتاه توسط اعضای "هیئت مرگ" آغاز شد. نام و نام سازمان؟ مسلمانی؟ نماز می خوانی؟ سازمانت را قبول داری؟ حاضر به همکاری با جمهوری اسلامی هستی یا نه؟ دادگاه هایی پر از فریب و نیرنگ که حتا عنوان و مضمون آن نیز بر زندانیان آشکار نبود. دادگاه های تقذیش عقاید قرون وسطایی که قضات مرگ آن با ظاهری آراسته تحت عنوان "هیئت عفو و آزادی" در زندان ها حضور یافتند و به فاصله هر چند دقیقه یک زندانی را به کام مرگ فرستادند. مرداد و شهریور ۶۷ با حکم خمینی رقم خورد و به یکباره ناقوس مرگ در تمامی زندان های ایران نواخته شد. هیولای مرگ به اندرون زندان ها خزید، کابوس قتل عامی فجیع بر فراز زندان های ایران سایه افکند و طی کمتر از دو ماه روزانه پیکر صدها زندانی سیاسی با حکم خمینی و با گزینش کمیته های مرگ بر چوبه های دار آونگ شدند.

اکنون با گذشت ۳۴ سال از آن کشتار هولناک، در پس ۳۴ سال مقاومت و پایداری مادران خاوران و دیگر خاوران های بی نام و نشان، در پس بیش از چهاردهه دادخواهی خانواده های جانفشانان آن سال های آتش و خون، در روز شمار یادمان سر به دارشدگان آن تابستان خونین، اکنون با تابستان دیگر گونه ای در مقابل آئینه سال شمار آن تابستان تفتان ایستاده ایم. تابستانی امیدبخش برای دادخواهان، تابستانی شوق انگیز برای مادران خاوران، تابستانی متفاوت با تابستان های دیگر برای خانواده های جانباختگان دهه ۶۰، تابستانی توامان با بغض و جاری شدن اشک شوق بر گونه های تمامی دلسوختگان این سال های سپری شده، تابستانی نوید بخش برای تداوم دادخواهی که اکنون با اعلام محکومیت "حمید نوری" به حبس ابد، امید به پیروزی های بزرگتر در دل و جان مردم ایران نشسته است.

حمید نوری معروف به "حمید عباسی"، کمک دادیار زندان گوهردشت کرج، در تاریخ ۹ نوامبر ۲۰۱۹ (۱۸ آبان ۹۸) به هنگام ورود به سوئد با حکم دادستانی این کشور به اتهام دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی بازداشت شد و پس از ۲۰ ماه، دادگاه او با کیفرخواست سنگین "جنایت جنگی"، "تقص فاحش قوانین بین المللی" و "قتل" آغاز گردید. دادگاه حمید نوری پس از برگزاری ۹۲ جلسه، سرانجام در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱ با درخواست حکم اشد مجازات برای او پایان یافت. پایانی خوش که عین حکم درخواستی دادستان ها در تاریخ ۲۳ تیر ۱۴۰۱ از طرف قضات پرونده تأیید شد.

در روند دادگاه حمید نوری، نام خمینی به عنوان آمر و فتوا دهنده کشتار زندانیان سیاسی به کرات تکرار شد. از ابراهیم رئیسی به عنوان یکی از افراد موثر "هیئت مرگ" در تمامی جلسات دادگاه نام برده شد. اسامی نیری و اشراقی و پورمحمدی که دیگر اعضای "هیئت مرگ" بودند، بارها و بارها تکرار شد. از ناصریان (قاضی محمد مقبیه فعلی) به طور مداوم اسم برده شد. مجموعه افراد جنایتکاری که هنوز هم با نشستن بر مسند قضا و دیگر پست های کلیدی جمهوری اسلامی به جنایت و کشتار مردم ایران مشغولند. لذا، محکومیت حمید نوری و اعلام مجرمیت او در دادگاه سوئد، عملا به معنای محکومیت خمینی، ابراهیم رئیسی و به طریق اولی اعلام مجرمیت کل جمهوری اسلامی در پرونده کشتار تابستان ۶۷ است. مضافا اینکه محکومیت حمید نوری به حبس ابد صرفا یک حکم قضایی نیست، بلکه اعلام این حکم به لحاظ سیاسی برای جنبش دادخواهی و آزادیخواهی ایران بسیار پر اهمیت تر از بعد قضایی آن است.

طی ۹ ماهی که برگزاری دادگاه حمید نوری طی شد، روند برگزاری این دادگاه عملا به فرایندی برای محاکمه جمهوری اسلامی تبدیل شد. دادگاهی که امید و شوق به پیروزی جنبش دادخواهی و آزادیخواهی را در دل توده های مردم ایران زنده کرد. به جنبش انقلابی سرنگون طلبی نیرو بخشید، توان دادخواهی و کارزار مبارزاتی توده های مردم ایران را بالا برد. همان توده های کار و زحمتی که دیرگاهی ست برای سرنگونی جمهوری اسلامی خیز برداشته اند و محاکمه کلیه آمران و عاملان ۴۴ سال کشتار و جنایات جمهوری اسلامی را در روزهای بعد از سرنگونی این رژیم فاسد و تبهکار در دادگاه های مردمی داخل ایران انتظار می کشند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست محکومیت حمید نوری به حبس ابد را مستثنا از اینکه نتیجه دادگاه تجدید نظر او چه خواهد شد، یک پیروزی بزرگ برای جنبش دادخواهی و آزادیخواهی در ایران می داند. شورای همکاری همزمان با گرامی داشت یادمان تمامی جانفشانان دهه ۶۰، بویژه جانفشانان تابستان خونین ۶۷، این موفقیت تاریخی را به خانواده بزرگ خاوران، جنبش دادخواهی و عموم توده های مردم ایران تبریک می گوید. روشن است این پیروزی بزرگ می بایست نقطه امیدی برای گسترش جنبش دادخواهی و تعمیق آن در مسیر بازدارندگی استرداد حمید نوری، اسدالله اسدی و دیگر جانان آدمکش و تروریست جمهوری اسلامی از بلژیک، سوئد و دیگر کشورهای اروپایی به ایران باشد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

امضاها: سازمان اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

۱۹ مرداد ۱۴۰۱ (۱۰ اگوست ۲۰۲۲)

”خیریه“ بازوی سرکوب سرمایه داری

آرش - ح

”مذهب به آنان که تمام عمر شان را زحمت می کشند و در نیاز زندگی می کنند می آموزد که تا وقتی در زمین هستند، تسلیم شوند و صبور باشند و به امید پاداش های بهشتی آسایش بیابند و همین مذهب به کسانی که از طریق کار دیگران (ربودن سرمایه آنها) زندگی می کنند می آموزد که هنگام زندگی در زمین به امور خیریه مشغول شوند و اینگونه راه بسیار ارزانی در اختیارشان می گذارد تا کل موجودیت شان به عنوان استثمرگر توجیه شود و بلیط خوشی در بهشت را به قیمتی منصفانه خریداری کنند.“ **لنین**

اجتماعی، برای تأثیرگذاری بر سیاست های عمومی در سراسر جهان استفاده می کنند.

به عنوان مثال، بیل گیتس به یکی از مشهورترین نیکوکاران تبدیل شده است. اما تمام اقدامات بشردوستانه او تا حد زیادی برای پاسخ به تبلیغات بدی بود که در دهه نود در جریان محاکمه ضد انحصار مایکروسافت داشت آغاز شد. طرف چند سال بیل گیتس توانست با تبلیغات رسانه های انحصاری چهره ای دیگر از خود به نمایش بگذارد، چهره یک سرمایه دار خوب که ثروتش را صرف نیازمندان می کند. بزوس نیز که شخصیتی به شدت منفور است، امیدوار است همان مسیری که گیتس طی کرده، برود، تا او هم از این سرمایه بی نصیب نماند. این منطق جامعه ی سرمایه داری و قدرت دست های نامرئی بازار است، مردم دوست داشته می-شوند چون ثروتمند هستند، و دیگران ناسزا تحویل می گیرند زیرا نتوانسته اند از فرصت هایشان بهره ببرند و قورباغه شان را درسته قورت بدهند.

سرمایه داری همان افرادی را که مسئول فجایع جامعه هستند به عنوان نجات دهندگان قربانی هایش معرفی می کند و با کمک رسانه از ما انتظار می رود که ثروتمندان را به عنوان قهرمانان تحسین

شرافتمندانه را از دوش خود بر می دارند و فقر را به بی کفایتی فقرا تقلیل می دهند. خیریه ها به سرکوب تشکل هایی که در پی مبارزه با تبعیض ساختاری هستند یاری می رسانند و فضای کنش های آگاهانه برای گرفتن حق بدیهی تهیدستان از غارتگران را تنگ می کنند.

یکی از میلیاردرهای که اخیر تصمیم گرفته بخشی از ثروت اش را که با ”پشتکار و ابتکار“ فردی! به دست آورده صرف امورات بشر دوستی کند جف بزوس، دومین فرد ثروتمند دنیا و بنیانگذار آمازون، ”کارآفرین“ بزرگ وار در تاریخ ۵ جولای (۱۴ تیر) مصادف با سی مین سالروز تاسیس این شرکت از سمت مدیر عاملی غول رسانه ای جهان کنارگیری کرد تا به گفته ی خودش «روى علايقش» که یکی از مهمترین آنها فعالیت های ”بشردوستی و خیرخواهانه“ است، تمرکز کند.

بزوس تلاش می کند که راه بیل گیتس را دنبال کند. در واقع، بزوس، گیتس و سایر هم طبقه ای هایشان ستون های نظام سرمایه داری هستند و به طرز ماهرانه و فریبنده ای از فعالیت های ”انسان دوستانه“ به عنوان وسیله ای برای حفظ شهرت خود و «شستشوی اخلاقی» استفاده می کنند. آنها از فعالیت های خیرخواهانه و انسان دوستانه خود ضمن کسب سرمایه ی

ایده نیاز به خیریه بازتابی از جامعه سرمایه داری است که روحیه «همه برای خود» را ترویج می کند و در سرتاسر دنیا قربانیان اش را که از ابتدائی و اساسی ترین نیازهای زندگی محروم هستند را مجبور می کند تا برای ضایعات جنگند و به ”سخاوت“ دیگران تکیه کنند. کل مفهوم بشر دوستی و خیریه به طور گسترده تر ابزار سرمایه داری هستند. آنها مسئولیت حل مشکلات اجتماعی را بر عهده افراد می گذارند و تاکید می کنند که ثروتمندان و سرمایه داران متحدان ما در مبارزه با مشکلات اجتماعی هستند زیرا منطق خیریه دولت را از مسئولیت مراقبت از شهروندان خود ساقط می کند. علاوه بر این، خیریه پاسخی کاملاً فردگرایانه به آسیب های اجتماعی ارائه می دهد که نه تنها دولت را مستثنی می کند، بلکه مانعی برای اتحاد طبقه کارگر و ارتباط و سازماندهی محروم ترین اعضای طبقه قرار می دهد.

در سال های اخیر مؤسسات خیریه، شما بخوانید نهادهای مافیایی، مانند فارچ روئیده، نهادی های که پشت هر کدام از آنها مستقیم و یا غیر مستقیم یکی از میلیاردها و یا موسسات اتاق فکری سرمایه داری قرار دارد و در اکثر کشورها با عناوین مختلف جولان می دهند.

دولت ها از طریق خیریه ها وظیفه ی حکومتی مبنی بر تأمین حداقل های زندگی

چرا دین افیون توده هاست؟! ”

مارکسیسم اما علاوه بر تمام مشکلاتی که با دین دارد مشکل اساسی اش را متوجه آنچه باعث میشود به دین رو بیاوریم می سازد. فارغ از وراثتی بودن دین و مذهب که بسته به این است در چه دیار و زمانی به دنیا بیاییم تا همان دین و مذهب پدرانمان را به ارث ببریم اساسا چه چیزی باعث میشود تا سراغ دین برویم؟ مارکس عجز و ناتوانی را مهمترین دلیل میداند. در تحقیقی جالب میزان افراد تحصیل کرده یا ثروتمند هر جامعه که به دین یا مذهبی خاص اعتقاد دارند بسیار کمتر است نسبت به بیسوادان، کم سوادان و یا اقشار فرودست همان جامعه! این همان چیزی است که درستی حرف مارکس را به اثبات می رساند، براحتی میتوان بسیاری از پزشکان، فیزیکی دانان، دانشمندان، نویسندگان، زیست شناسان، اخترشناسان، نظریه پردازان و سرمایه دارانی را مشاهده کرد که اعتقادات مذهبی ندارند اما در اقشار زیرین جامعه بسیارند کارگران و فقرایی که با آن که آه در بساط ندارند حاضرند خودشان و خانواده شان را در راه دین فدا کنند! دین رویا می فروشد! دین سرابی است برای آنان که در زندگی به هیچ نرسیده اند، نه شغل دلخواهشان را بدست آورده اند، نه شرایط زندگی شان به گونه ایست که بتوان از آن رضایت داشت، نه درآمد مناسبی دارند خلاصه نه گذشته ای دارند، نه حالی و نه آینده ای! دین اما وعده ی آینده را به آنان می فروشد. وعده ی آینده ای نامعلوم که نه زمانش مشخص شده و نه مکانش. مختصات بهشت به کسی داده نمیشود تنها به وجود غذاهای لذیذ و زنان زیباروی، چشمه های جوشان شرابی گوارا و آب و هوایی مناسب بسنده میشود تا افراد آنچه را اینجا روی زمین نتوانستند بیابند را در

است. دین بین پیروان خودش و دیگر ادیان یا بی اعتقادهای خط قرمز میکشد و خودی ها را پاک، باهوش و در یک کلام بالاتر و بیرونی ها را کثیف، نادان و در یک کلام پست تر از خودی ها میداند؛ این همان کاری است که فاشیسم میکند آن هم با عناوین مختلف؛ از ملیت و قومیت گرفته تا نژاد و زبان. دشمن سازی از تمام انسانها جز آنانکه با ما هم عقیده اند نتیجه ی حلال سازی خون کفار است همان حکمی که ادیان نسبت به یکدیگر میدهند.

ولتر از پیشگامان مبارزه با دین در عصر روشنگری میگوید: با کسی که معتقد است با کشتن شما به بهشت میرود نمیتوان بحث منطقی کرد! فاشیسم دینی حتی خطرناک تر از فاشیسم نژادی و زبانی است چرا که در فاشیسم دینی حتی پیروان یک دین هم خوب نیستند و مذاهب گوناگون یک دین با هم عناد بیشتری دارند تا با دیگر ادیان! کافیسیت به رابطه ی پروتستان ها و کاتولیک ها یا شیعه و سنی در تاریخ نگاهی بیندازید تا متوجه عمق فاجعه شوید؛ بماند که هر دین دهها و گاهی صدها مذهب باز تولید میکند و هر سودجویی با کم و زیاد کردن بند و تبصره ای به نسخه ی پیشین میتواند مذهبی جدید را بنیان گذارد! تعدد باورنکردنی ادیان و مذاهب و تفاوت های عدیده ای که با یکدیگر دارند به خوبی نشان میدهد که برخلاف آنچه مومنین می گویند همگی در یک راستا نیستند و گاهی در تناقض کامل با یکدیگر به سر میبرند! در تحقیقی جالب ادیان و مذاهب موجود در جهان را حدود 4200 تخمین زده اند! و این عمق فاجعه را نشان میدهد. 4200 گروه که هریک دیگران را دشمن می پندارند و گاهی به خون یکدیگر تشنه اند.

مارکس در نقد فلسفه ی هگل یکی از مشهورترین جملاتش را مینویسد: "دین افیون توده هاست." او می گوید: خدا، نیست که انسان را می آفریند، بلکه این انسان است که خدا را می سازد. جدل بر سر وجود یا عدم یک آفریننده به زمان مارکس یا شخص او محدود نمی شود و از نخستین روزهای پیدایش بشر همواره یکی از اساسی ترین پرسش هایی که آدمی با آن دست و پنجه نرم کرده این بوده که آیا ماورای ماده خالق وجود دارد؟!

پاسخ به این پرسش همواره با جدال و خونریزی همراه بوده. دین و مذهب از همان ابتدای مطرح شدنش باعث قتل عام ها و کشتارهای فجیع در تمام جوامع بشری گشته و بسیاری از پیروان ادیان بخاطر عقاید و افکاری که گمان میکردند از جانب خداست و دشمنی با آن فکر دشمنی با خداست حاضر شده اند به هر شیوه ای پیروان دیگر ادیان یا کفار و ملحدین به آن دین را از سر راه بردارند.

جنگ های صلیبی، لشکرکشی های مسلمانان، جنگهایی مذهبی در فرانسه، جنگ های سی ساله، کشتار مسلمانان در کشورهای بودیسم مذهب، درگیری های گسترده میان مسلمانان و یهودی نشین های فلسطین و اسرائیل و بسیاری دیگر از فجایع جنگی برخاسته از دل دین و دینداری بوده است.

گویی ایمان به مذهب فرد مومن را به کلی از عقل سلیم دور میکند و تنها با وعده ی بهشت کاری می کند که شخص بزرگترین جنایت ها را بسیار عادی و با عشق و علاقه انجام دهد؛ اما فارغ از آنکه ایمان به مذهب تمام درها را به سوی عقل و منطق مینندد دین اشکالات اساسی دیگری نیز دارد. یکی از مهمترین آنها ایجاد مرزبندی

” خیریه ” بازوی سرکوب سرمایه داری

ادامه از صفحه ده

کنیم زیرا آنها کاملاً دمکراتیک تصمیم می گیرند که چگونه پول خود را خرج کنند. هیچ فرآیندی وجود ندارد که طبق آن طبقه کارگر تصمیم بگیرد که این پول چگونه و کجا خرج شود. همه چیز به هوس های میلیاردیها بستگی دارد.

مضحک ترین بخش این نمایش های ”بشردوستانه” میلیاردیها آن جاست که بسیاری از این میلیاردیها بر ثروت و سرمایه هایشان افزوده شده است. این به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله اینکه آنها هنوز بر وسایل تولید کنترل دارند. به عبارت دیگر، آنها همچنان مکانیسم هایی را که باعث همه این مشکلات اجتماعی شده است، حفظ می کنند. بروس و گیتس و دیگران ممکن است دیگر عملیات روزانه شرکت هایی را که تأسیس کرده اند مدیریت نکنند، اما همچنان با حفظ سهام و مالکیت خود در شرکت، از کار خود سود می برند. در واقع چندین برابر از پولی که آنها صرف می کنند از طریق کار استثمار شده کارگزارانشان به آنها باز می گردد، با یک دست می بخشند و با دست دیگر دو برابر می گیرند.

درست مانند کل سیستم سرمایه داری، صنعت حقوق بشری و ژست های بشردوستی سرمایه هم تا هسته پوسیده است. هیچ راه حلی برای گرسنگی، بی خانمانی، بیماری و هر آنچه که جامعه را آزار می دهد تا زمانی که سرمایه داری به بقایش ادامه می دهد وجود ندارد. غذا دادن به چند گرسنه گرسنگی را حل نمی کند، ساختن چند به ظاهر سرپناه مشکل بی خانمانی، را حل نمی کند. البته ما باید برای محافظت، تغذیه و اسکان اعضای جوامع خود تلاش کنیم، اما نه با الگوهای پوسیده سرمایه داری که خود سرمنشا تمامی مصائب گریبانگیر بشریت، است.

آرش - ح

معنوی بودن را یکی بدانیم! مذهبی بودن به معنای چشم و گوش بسته بودن و به طور کامل فرمانبرداری از آن چیزی است که دین میگوید اما معنویت یعنی احترام و اعتقاد به تمام آن قواعد اخلاقی و انسانی که مادی نیست! صداقت، عدالت، درستی، احترام به حقوق حیوانات، طبیعت دوستی، صلح، کمک به دیگران همه و همه افعال معنوی به حساب می آیند بنابراین میتوان معنوی بود اما مذهبی نبود! میتوان انسان بود اما دین نداشت، میتوان آدم خوبی بود اما در کنارش اندیشید و شک کرد، میتوان خود انسانها را دید نه دینشان را... و در نهایت اینکه برای زیر و رو کردن سیستم حاکمه، برای نابودی آخرین قلعه های سرمایه داری، برای برپایی جامعه ای عدالت محور و انسانی، باید اختیار را در دست گرفت، اندیشید و عمل کرد و منتظر نماند تا خدایانی در آسمان برای ما در روی زمین تصمیم بگیرند! وقت آن است جامعه، خیالی وهم و تصویری پوچ را برای همیشه کنار بگذارد و بداند تنها راه رهایی همینجا روی زمین است و بدست همین مردم... از دست دادن امیدی واهی خود موفقیتی بزرگ است...

”ستاره سرخ”

آسمان جستجو کنند! سرمایه داران اما نیازی به این وعده ها ندارند چرا که بهشت را همینجا روی زمین تجربه میکنند و گاهی بیشتر از آنچه در کتاب مقدس وعده داده شده را بدست می آورند! بنابراین دین متعلق به متمولین نیست دین برای فردوستان طراحی شده دین برای فقراست! اعتقاد دینی از انسان مترسک میسازد، پویایی و تحرک را از بشر میگیرد و همه چیز را به آسمانها حواله میدهد.

بسیارند کارگرانی که صبح قبل از خروج از خانه از خدا میخواهند روزی خوبی برایشان مقدر شود! این همان چیزی است که مارکسیسم هشدارش را میدهد، مراقب دین باشید! دین میخواهد شما را از فعالیت باز دارد. دین میخواهد شما تغییر نکنید و تغییر ندهید! اگر تاریخچه ی ادیان را به طور مختصر و کلی مرور کنیم میفهمیم دین همواره ابزاری در دست قدرتمندان و ثروتمندان جوامع بوده است. در هرم طبقاتی نیز میتوان کاسبان دین را در طبقات بالایی مشاهده کرد همانجا که کشیشان و آخوندها با در دست داشتن بودجه و سرمایه ای عظیم سیاست گذاری را برای سیستم حاکمه سهل میکنند تا جنایتهای سرمایه داری راحت تر و ساده تر انجام شود! نکته ی مهم و حائز اهمیت اینجا آن است که نباید مذهبی و

کار کمونیستی آخر هر ماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان

کمونیست منتشر می شود .

برای تماس با سازمان اتحاد فداییان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از

آدرسهای زیر تماس بگیرید :

.....

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرخ

karj@fedayi.org

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدائیان شورانی !